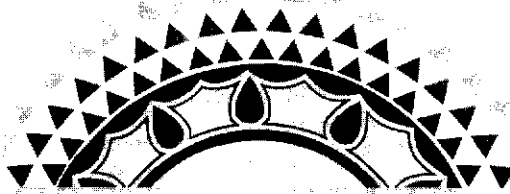


# بنیاد گراپی سیستمی

شهرشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

مقاومت در برابر مدرنیته

مهدی لک زایی



تحقیق در مورد بنیادگرایی دینی بخش مهمی از پژوهش‌های دینی معاصر را تشکیل می‌دهد. علاوه بر آن در حوزه‌های علوم سیاسی و اجتماعی نیز بنیادگرایی دینی و عقل و عوامل آن مورد توجه قرار می‌گیرد. دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی هزینه‌های گزافی صرف تحقیق و پژوهش پیرامون این پدیده مدرن می‌کنند و درخصوص آن سمینارهای بین‌المللی برپا می‌شود. با این همه هنوز ماهیت و عوامل پدید آورنده آن به‌درستی شناخته و تبیین نشده و سطحی‌نگری و سیاست‌زدگی آفت فهم صحیح این پدیده است. برای درک درست آن باید از هر گونه شتاب‌زدگی اجتناب و به تفاوت‌ها در جوهره بنیادگرایی‌های گوناگون اذعان کرد. چراکه بنیادگرایی مسیحی همان بنیادگرایی هندویی نیست و ادعاهای بنیادگرایان یهودی یا بنیادگرایان مسلمان متفاوت است. اصطلاح بنیادگرا نخستین بار برای نامیدن پاره‌های مسیحیان که آموزه‌های بنیادین مسیحیت را تبیین می‌کردند، لحاظ شد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، بار دیگر در سطح وسیعی در روزنامه‌ها و نشریات به‌کار رفت و از آن به بعد به یکی از واژگان پر مصرف رسانه‌ها تبدیل شد. نویسنده این نوشتار درصدد تبیین بنیادگرایی مسیحی است، و چه تسمیه بنیادگرا، موجبات آن و پاره‌های عوامل که به آن پروبال داد را بررسی می‌کند، از خاستگاه بنیادگرایی مسیحی یعنی جامعه آمریکا و صهیونیسم مسیحی سخن می‌گوید و تا حدودی علت حمایت آمریکا و غرب از تأسیس کشور اسرائیل را بیان می‌دارد.

تا این دگم کلیسایی که انسان را اشرف مخلوقات و برتر از همه موجودات می‌دانست و آموزه کتاب مقدس مبنی بر خلق آدم و حوا از گل زیر سؤال رود و انسان با دیگر موجودات برابر و صرفاً موجودی کاملتر از دیگر حیوانات و برآمده از شامپانزه تلقی شود. سرانجام زیگموند فروید نیز آخرین و مهلک‌ترین ضربه را بر آگاهی و عقل آدمی وارد آورده، نشان داد آنچه را که آدمی عقل می‌پندارد، خود چون پرکاهی بازیچه طوفان مهیب برخاسته از برهوت ناخودآگاه و تمایلات گوناگون آن است و به این ترتیب به کسانی که عقل را تنها و مهمترین عامل امتیاز آدمی بر دیگر موجودات می‌دانستند، گوشزد کرد که آدمیان چندان هم عاقلانه و فکورانه عمل نمی‌کنند.

در جلد ۷ دایرةالمعارف تشریحی آکسفورد (۵) نیز آمده است: بنیادگرایی در مسیحیت، جنبشی دینی است که اوایل قرن بیستم و در میان پروتستان‌های آمریکا توسعه یافت و عکس‌العمل محافظه‌کارانه به تئوری داروین، ایدئولوژی‌های الحادی نظیر مارکسیسم و نقادیه‌های جدید کتاب مقدس است. از جمله اهداف بنیادگرایی حفظ و صیانت از آموزه‌های سنتی مسیحیت، کلیسا و نیز اقتدار مطلق و عاری از خطای کتاب مقدس بود. بنیادگرایی با جریان انجیلگرایی پیوند یافت و در سال‌های اخیر به‌ویژه در آمریکا به مثابه جنبشی بانفوذ به‌تدریج در آن ادغام شد، به‌طوری‌که دیدگاه‌های بنیادگرا از طریق پخش برنامه‌های گسترده مذهبی به مخاطبان بیشتری می‌رسید...

در اینجا نیز به مارکسیسم به‌عنوان یکی از دلایل رشد و خیزش بنیادگرایی، در کنار دیگر عوامل از جمله سکولاریسم، لیبرالیسم و تئوری داروین، اشاره شده است. بررسی کامل و همه‌جانبه هر یک از این عوامل از حوصله این مقاله خارج است. در پاره‌ای از مجلدات دایرةالمعارف بریتانیکا نیز

جدید نیز اصل مصونیت کتاب مقدس از خطا را زیر سؤال برده و این به مذاق پروتستان‌های انجیلی چندان خوش نیامده است.

در دیکشنری کلیسای مسیحی (۴) نیز در مورد بنیادگرایی مطالب زیر عنوان شده است:

"جنبشی در گروه‌های مختلف پروتستان که پس از جنگ سال‌های ۱۹۱۴-۱۹۱۸ میلادی به‌ویژه در آمریکا گسترش یافت. این جنبش به‌طور انعطاف‌ناپذیری آنچه را که به‌عنوان آموزه‌های مسیحی راست‌گیش سنتی و نیز خطانابذیری حقیقی کتاب مقدس معروف است، باور داشت و آن را مورد تأکید قرار می‌داد. در سال ۱۹۲۵ میلادی این جنبش با اقبال عمومی گسترده‌ای روبه‌رو شد، یعنی درست از هنگامی که "ویلیم جنینگ براین" (۱۸۶۰-۱۹۲۵ میلادی) رهبر دموکرات‌های آمریکا به محاکمه "ج.ت. اسکایس" معلم مدرسه‌ای در شهر دیتون از ایالت تنسی کمک کرد و اسکایس به اتهام، آموزش و تدریس نظریه تحول داروین و نقض قوانین ایالتی، مجرم شناخته شد."

در این تعریف، بر تئوری داروین به‌عنوان عامل مهمی در تحریک بنیادگرایان تأکید شده است. در کل سه تئوری علمی که گالیه، داروین و فروید هر یک در فیزیک، زیست‌شناسی و روان‌شناسی در عصر خود ارائه کردند، جنب‌وجوش بی‌نظیری در میان مؤمنان، متدینان و اصحاب کلیسا پدید آورد. گالیه با ارائه نظریه خود دال بر گردش زمین به دور خورشید و نیز این مطلب که زمین در مرکز کائنات قرار ندارد، خشم ارباب کلیسا و مؤمنان مسیحی را چنان برانگیخت که او را تهدید به مرگ کردند. گالیه باعث شد تا آدمیان از اریکه مرکزیت عالم و کائنات به نقطه‌ای کوچک در این فضای لایتناهی پرتاب و از گردش زمین به دور خورشید دچار سرگججه‌ای وجودی شوند. چارلز داروین نیز با ارائه نظریه تحول انواع باعث شد

در دایرةالمعارف وبستر (۱) درخصوص بنیادگرایی توضیحات زیر درج شده است:

"جنبش پروتستان و محافظه‌کار در آمریکا که از انجیل‌گرایی (۲) در مقابل مدرنیسم حمایت می‌کند. این جنبش به‌ویژه و به‌طور خاص از اوایل قرن بیستم و در جنوب شکوفا شد. آموزه‌های عمده و اصولی آن در یک‌سری کتابچه‌های موسوم به "بنیادها" (۱۹۱۰-۱۹۱۲ میلادی) چنین ذکر شده است: تولد مسیح از باکره، رستاخیز جسمانی، بازگشت مجدد مسیح، جان‌بینی نظریه کفار و خطانابذیری مطلق کتاب مقدس، که مورد اخیر به عدم‌پذیرش نقادی کتاب مقدس و نیز رد نظریه و تئوری تحول انواع داروین می‌انجامد. حامیان عمده و مهم این جنبش، و.ج. براین و دانشمند متاله و الهیات‌دان "جان گرشام ماچن" هستند."

در این تعریف به تقابل جنبش بنیادگرایی با مدرنیته تأکید و بر خطانابذیری کتاب مقدس و نیز نفی تئوری داروین پافشاری شده است. به علاوه بیانگر این است که این جنبش در میان پروتستان‌های محافظه‌کار در جنوب آمریکا پا گرفت و به عبارت دیگر خاستگاه اولیه جنبش بنیادگرایی مسیحی در میان پروتستان‌ها بوده است.

در دیکشنری میراث آمریکایی (۳) ذیل اصطلاح بنیادگرایی آمده است:

"جنبشی انجیلی، ستیزه‌جو و سازمان یافته که در سال ۱۹۲۰ میلادی و در مخالفت با لیبرالیسم و سکولاریسم پدیدار شد..."

بنابراین توضیح، جنبش بنیادگرایی در میان گروهی از پروتستان‌ها که اعتقاد به خطانابذیری کتاب مقدس داشته و به پروتستان‌های انجیلی معروفند، در تقابل و تضاد با جریان لیبرالیسم و سکولاریسم به‌وجود آمد. به زعم آنها حکومت‌های لیبرال و سکولار ارزش دینی کتاب مقدس را تضعیف کرده‌اند، به علاوه نقادی



بررسی و تبیین این اصطلاح پرداخته شده است. در مجلد ۵ آن، بنیادگرایی جنبشی محافظه‌کار در میان پروتستان‌های آمریکایی تلقی شده که از روی جنبش معتقدان به هزاره در قرن ۱۹ پدید آمده و بر نظریه کفار، رستاخیز، تولد از باکره، آمدن مجدد و قریب‌الوقوع مسیح در قالب جسمانی و مصونیت کتاب مقدس از هرگونه خطا، به‌عنوان آموزه‌های بنیادی تأکید دارد. نیز در ادامه به ذکر ریشه‌های بنیادگرایی می‌پردازد و ریشه آن را در تاریخ جنبش معتقد به هزاره جست‌وجو می‌کند. (۶)

در جلد ۲۶ این دایرةالمعارف نیز وجه تسمیه بنیادگرایی یک مجموعه رساله ۱۲ جلدی موسوم به "بنیادها" اعلام می‌شود.

در راهنمای کتاب مقدس (۷) نیز به بنیادگرایی اشاره شده است:

"جنبش الهیاتی قرن بیستم میان پروتستان‌های محافظه‌کار در آمریکا، که به‌رغم گستردگی دارای ویژگی غیرمتمرکز و نامنظم است. جنبش بنیادگرایی مذکور دارای چهار خصیصه است: ۱- تأکید شدید بر اینکه کتاب مقدس به تمامی محصول وحی (۸)، دارای اقتدار و مرجعیت (۹) است و همه کلمات آن مصون و عاری از هرگونه خطای تاریخی، الهیاتی و علمی است. به این ترتیب چنانچه مشاهده کنیم بنیادگرایان از قبول نتایج نقادی‌های مدرن کتاب مقدس امتناع می‌ورزند، جای تعجب نیست (نکته قابل یادآوری این است که این خصیصه و شرط را ظاهراً بر اثر جنجال‌هایی که تئوری داروین برانگیخت و در آن خلق از عدم و آفرینش انسان از گل زیر سوال رفت، وضع کرده‌اند)، ۲- کنار کشیدن از فرآیند مدرنیته و لیبرالیسم، ۳- پیوند و نزدیکی به تقدیرگرایان (۱۰) و معتقدان به جنبش‌های هزاره‌ای (۱۱)، که پیامد آن نگاه بدبینانه و منفی به تاریخ بشری است ۴- تأکید بر تقوای شخصی و انزوا از جامعه... در ادامه نیز آمده است: "اصطلاح "بنیادگرا" ابتدا در دهه ۱۹۲۰ میلادی برای توصیف کسانی که به بنیادهای ایمان مسیحی کمک مالی می‌کردند، به‌ویژه در بیان معتقداتی که در ۱۲ جلد کتاب موسوم به "بنیادها" چاپ و در هزاران نسخه برای کشیشان و غیرکشیشان حدود سال‌های ۱۹۱۰-۱۹۱۵ میلادی فرستاده شد، به‌کار رفت. سپس توضیحات دیگری نیز آورده که خالی از فایده نیست: "به زعم بارنس این اصطلاح در دهه ۱۹۴۰ میلادی اسباب ناراحتی بنیادگرایان را فراهم آورد، چراکه الفاظکننده تفکر گرایش به ضدروشنفکری و روشننگری، ستیزه‌جویی، افراط‌گرایی و بدگمانی (۱۲) شده بود. از این رو خود را انجیلگرا (۱۳) نامیدند و در سال ۱۹۴۲ میلادی، انجمن ملی انجیلگرایان (۱۴) را که میانه‌روتر و بدیل شورای

کلیسای مسیحی آمریکا (۱۵) بود، تأسیس کردند. "مارتین. ا. مارتی" (۱۶) که از صاحب‌نظران برجسته درخصوص بنیادگرایی است، در مقاله‌ای مفصل در دیکشنری اخلاق، الهیات در جامعه (۱۷)، این اصطلاح را چنین تبیین کرده است: "بنیادگرایی واکنشی مدرن و دینی از طرف مردم محافظه‌کاری است که به‌منظور دفع تهدیدها علیه یکپارچگی و انسجام‌شان به‌عنوان یک فرد یا ملت از خود بروز می‌دهند. در این معنا، به‌زعم مارتی بنیادگرایی بیشتر در ادیان صاحب کتاب از قبیل مسیحیت، یهود و اسلام رخ می‌نماید، هرچند در آسیا و دیگر فرهنگ‌ها نیز به این پدیده برمی‌خوریم. او سپس میان اصطلاحات بنیادگرایی، محافظه‌کاری، سنت‌گرایی و راست‌کیشی تفکیک قائل می‌شود، بنیادگرایی را از آن اصطلاحات جدا می‌کند و درخصوص هریک توضیحاتی می‌دهد.

در دیکشنری جدید دین (۱۸) ذیل این کلمه آمده است: "کلمه بنیادگرا در آمریکا به سال ۱۹۲۰ میلادی برای توصیف جناح‌هایی در فرقه‌های مسیحی آمریکا به‌ویژه بابتیست‌ها (۱۹) و پرسبیترین‌ها (۲۰) وضع شده است که سرسختانه حملات و یورش‌های مدرنیته را دفع و در برابر آن مقاومت می‌کردند."

اندکی تأمل در این اصطلاح نشان می‌دهد که در زیر چتر فراگیر بنیادگرایی علاوه بر انجیلگرایان، بابتیست‌ها و پرسبیترین‌ها نیز حضور دارند و در یک کلام ویژگی مشترک آنها موضع خصمانه علیه مدرنیته است.

آنها در یک اصل اتحاد دارند و آن اینکه در دنیای جدید آرمان‌های دینی و بنیادین مسیحی به خطر افتاده و موج‌های سهمگین لیبرالیسم، سکولاریسم، کمونیسم (مارکسیسم) که از دریای خروشان مدرنیته بلند شده، کشتی ایمان مسیحی را به مخاطره افکنده است.

بنیادگرایی دینی در کل و بنیادگرایی مسیحی به‌طورخاص ریشه در مدرنیته و تحولات دنیای جدید دارد. سقط جنین، مصرف و رواج مشروبات الکلی، همجنس‌بازی و نک همسری که امروزه در دنیای مدرن شاهد آن هستیم هر یک به فراخور در رشد و نضج بنیادگرایی مسیحی دخیل بوده‌اند.

### پروتستان‌های آمریکا و نگاه به یهود

اوایل قرن هفدهم میلادی، مهاجرانی که از انگلیس به آمریکا وارد شدند عقاید پروتستانی را نیز با خود آورده، رواج دادند و از آنجا که این سرزمین با اروپا و انگلیس متفاوت بود، فرصتی برای گسترش تعالیم خود یافتند. به همین دلیل، آیین پروتستان در آمریکا به مذهب فراگیر و غالب تبدیل شد و کلیسای پروتستان نیز حاکمیت خود را در سرزمین جدید تثبیت کرد. این مهاجران به لحاظ الهیات، تاریخ، سیاست

و کتاب مذهبی متأثر از آیین یهود بودند و همین نوعی همزیستی میان پروتستانیزم و یهودیت ایجاد کرد که تاکنون نیز ادامه دارد. مهاجران پروتستانی سرزمین جدید آمریکا را همچون سرزمین کنعان تلقی می‌کردند و خود را مبارزانی می‌دیدند که همانند عبری‌های قدیم از عبودیت فرعون-شاه جیمز اول- پادشاه انگلیس- و از سرزمین مصر-انگلیس- فرار کرده‌اند تا در سرزمین موعود جدید-آمریکا- از ستم مذهبی رهایی یافته و درآمان باشند. این احساس تازه‌واردان به آمریکا در نحوه زندگی آنها در سرزمین جدید تأثیر بسیار برجای نهاد، به طوری که برای مکان‌ها و فرزندان‌شان نام عبری برمی‌گزیدند. به این ترتیب آموزش زبان عبری رونق گرفت و در دانشگاه‌ها و مدارس اجباری شد. نخستین تحقیق در مقطع دکترا در دانشگاه هاروارد در سال ۱۶۴۲ میلادی تحت عنوان "عبری زبان مادری" ثبت شده و اولین کتاب منتشره در آمریکا نیز سفر مزامیر بوده است. نزدیکی پروتستانیزم و یهودیت با آغاز حرکت موج گسترده مهاجران یهودی و کاتولیک به آمریکا تقویت شد و برعکس روابط پروتستان‌ها و کاتولیک‌ها، روابط میان پروتستان‌ها و یهودیان، گسترش یافت. روابط نزدیک میان آنها به سرعت نتایج عملی خود را نشان داد و با آغاز قرن هجدهم میلادی سرزمین فلسطین به‌عنوان وطن یهود، نزد پروتستان‌ها به‌ویژه پروتستان‌های آمریکایی جایگاهی خاص پیدا کرد. این مسأله باعث شد تا پروتستان‌های آمریکایی به ضرورت استقرار یهودیان در فلسطین باوری را سخ پیدا کنند. بسیاری از تعالیم معنوی و اعتقادات دین یهود و بعدها باورهای یهودیان معتقد به صهیونیسم در فرهنگ پروتستان‌های آمریکا نفوذ کرد، به طوری که آنها معتقد شدند مسیح در انتظار تشکیل دولت یهود است. این رویکرد پروتستان‌ها را واداشت تا برای احیای قوم یهود دست به تلاش گسترده‌ای بزنند. "ژوزف اسمیت" بنیانگذار کلیسای مورمون، نظریه اعزام یهودیان به فلسطین را مطرح کرد. کاروانی از برجسته‌ترین عالمان الهیات نظیر "سایروس اسکافیلد" (۲۱) و "سراسقف" ویلیام بلک استون" نیز به آنها پیوستند و در راستای تلاش برای تشکیل مجتمع‌های یهودی کوشش کردند. حمایت از یهودیان برای عزیمت به فلسطین، ابتدا صرفاً انگیزه‌های و شکل همزمانی معنوی داشت و عاری از انگیزه‌های سیاسی بود، اما بعدها کاملاً با انگیزه‌های سیاسی انجام شد. سراسقف ویلیام بلک استون در اولین اقدام عملی جهت اعمال فشار برای تأسیس یک دولت یهود، اقدام به جمع‌آوری امضا در حمایت از تشکیل کشوری برای یهودیان در فلسطین و تقدیم درخواستی در این مورد به رئیس‌جمهوری وقت آمریکا کرد.

- 12-paranoia
- 13-Evangelical
- 14-National Association of Evangelicals
- 15- American council of christian churches
- 16-Martin.E.Marty
- 17-Dictionary of Ethic, Theology society. P.P.388-392
- 18-A New Dictionary of Religion-p.177
- 19-Baptist
- 20-Presbyterian
- 21-scofield.c.I
- 22- christion Zionism
- ۲۳- مانوئل کاستلز، عصر اطلاعات، قدرت هویت، ترجمه حسن چاووشیان، ص ۳۸
- 24-Partiarchy
- 25-Feminism
- 26-Homosexuality
- 27-Lesbianism & Gayness
- 28-Contemporary American Religion, Vol 1, PP.270-273

بر پدرسالاری و مهمتر از همه اقتدار مردان بر زنان بازسازی شود، درست همان‌گونه که در کتاب مقدس، سفر تکوین و نیز نامه پولس به اهالی افسوس آمده است و اطاعت مطلق کودکان که در صورت لزوم باید با تنبیه بدنی آن را آموخت، چراکه طبق آموزه مسیحی کودکان بالفطره گنهگار متولد می‌شوند و درک این مطلب که کودکان و فرزندان به‌طور طبیعی بیشتر به شر اشتیاق و گرایش دارند تا خیر، برای والدین فواید بسیار دارد.

زنان نیز به لحاظ زیستی به گونه‌ای تعیین یافته‌اند که عهده‌دار وظیفه مادری و مکمل عاطفی مردان عقلانی باشند... به هر جهت در بنیادگرایی مسیحی خانواده پایدار پدرسالار پایه محکم زندگی تلقی می‌شود. از نظر بنیادگرایی مسیحی خطرناک‌ترین دشمنان، همان فمینیست‌ها و همجنس‌بازان هستند، چراکه آنها ریشه‌های خانواده را از بن می‌سوزانند. به عبارت دیگر این دو دسته ریشه اصلی ثبات اجتماعی و زندگی مسیحی را نابود می‌کنند. به هر روی، مبارزه با پدرسالاری یکی از نیرومندترین عوامل محرک نهضت‌های بنیادگرایی به‌ویژه بنیادگرایی مسیحی است که در پی حفظ و احیای نظام پدرسالاری است. کلیسای مورمون نیز از دخالت دولت در امور مقدس ناراضی است. به زعم آنها دولت مدرن تعدد زوجات را منع کرده، حال آنکه در کتاب مقدس این مسأله آزاد است و از سوی دیگر سقط جنین را مجاز شمرده درحالی‌که این عمل مغایر مشیت الهی است.

ماحصل کلام اینکه به قول مارتین.ا. مارتی، مسیحیت بنیادگرا گونه‌ای پروتستانتیزم است که به گونه‌ای انفعالی در تقابل با مدرنیته پدید آمده و نیز تلاش‌هایی است که به‌منظور دفاع از "بنیادهای مسیحی و ایمان دینی مسیحیان انجام می‌گیرد." (۲۸) بنابراین بنیادگرایی مسیحی صیغه‌ای پروتستانی دارد و در تقابل با موج‌های مدرنیته از قبیل لیبرالیسم، سکولاریسم، مارکسیسم و ... پدید آمده است.

#### پی‌نوشت‌ها:

- 1- The new websters Internation Encyclopedia.-Michael.D. Harkvy
- 2- Evangelicalism
- 3-The American Heritage Dictionary
- 4-The Oxford Dictionary of the christian church
- 5-Oxford Illustrated Encyclopedia.vol7
- 6-Britanica.vol5-p.51
- 7-The Oxford companion to the Bible-william. H.Barnes. p.p 236-237
- 8-inspiration
- 9-authority
- 10-dis pensationalism
- 11-millennialism

به فاصله اندکی بعد از این تلاش، کنگره آمریکا اعلامیه بالفور را به رسمیت شناخت و متعاقب آن سازمان‌ها و گروه‌های بی‌شماری با هدف اعمال فشار برای تشکیل دولت یهود در فلسطین در سراسر ایالات متحده آمریکا شکل گرفت و از رابطه حسنه پروتستانتیزم و یهودیت، طفل "صهیونیسم مسیحی" (۲۲) متولد شد.

صهیونیسم مسیحی پیش از تأسیس اسرائیل، به لزوم بازگشت یهودیان به‌عنوان یک ملت به سرزمین موعود یعنی فلسطین و تأسیس یک حکومت ملی در آنجا به مثابه مقدمه‌ای برای رجعت مسیح و تشکیل فرمانروایی هزار ساله باور داشت و پس از تأسیس اسرائیل نیز رهبران صهیونیسم مسیحی، به اسرائیل به‌عنوان شاهدهی بر درستی باورهایشان می‌نگرند. به‌طور کلی در مطالعه پروسه پروتستانتیزم در تاریخ آمریکا باید به دو نکته توجه کرد:

۱- سیطره جناح بنیادگرا بر پروتستان‌ها و ۲- گرایش شدید به میراث یهودی.

بنابر آنچه گفته شد، خاستگاه بنیادگرایی مسیحی، جامعه آمریکا و پروتستان‌های انجیلی این کشور است. درحقیقت باید گفت بنیادگرایی مسیحی یکی از جنبه‌های پایدار تاریخ آمریکاست. "جامعه‌ای که بی‌هیچ آرام و قراری طلیعه‌دار تغییرات اجتماعی و آزادی‌های فردی است و هر از گاهی نسبت به فواید مدرنیته و دنیوی شدن تردید می‌کند و آرزومند آسایش و امنیت ارزش‌ها و نهادهای سنتی‌ای می‌شود که ریشه در حقیقت الهی و سرمدی دارند." (۲۳)

بنیادگرایی مسیحی نیز همانند بیشتر نهضت‌های بنیادگرا در تاریخ، نهضتی واکنشی است که هدف آن ساختن هویت شخصی و اجتماعی براساس تصوراتی از گذشته و فرافکنی آنها به یک جامعه آرمانی است تا بدین‌سان بر روزگار تحمل‌ناپذیر حاضر غلبه کند. بنیادگرایی مسیحی واکنشی است به تهدید جهانی شدن و تحمل‌ناپذیر بودن بحران "پدرسالاری" (۲۴).

احتمالاً مهم‌ترین منشأ بنیادگرایی مسیحی در دهه ۱۹۸۰-۱۹۹۰ میلادی، واکنش به مبارزه با "پدرسالاری" برخاسته از قیام‌های دهه ۱۹۶۰ میلادی است که در "نهضت‌های آزادی زنان" (۲۵) و "همجنس‌گرایان" (۲۶) ظهور یافته و خانواده پدرسالار آمریکایی را به‌شدت دچار بحران کرده است. این واقعیت را باتوجه به همه شاخص‌های مربوط به طلاق، خشونت در خانواده، کودکان نامشروع، ازدواج‌های دیرهنگام، درهم شکستن مفهوم مادری، زندگی‌های مجردی، زوج‌های همجنس اعم از زن یا مرد (۲۷)، نفی گسترده اقتدار پدرانه و... می‌توان مشاهده کرد. در بنیادگرایی مسیحی تأکید می‌شود که دژ مستحکم خانواده باید بر مبنای صحه گذاشتن